

مسائل قیاس

تحلیل کاربرد قیاس و اصول و فروع دین

دکتر علی رضا رحمان

سرشناسه: رحیمیان، علیرضا
عنوان و پدیدآور: مسأله‌ی قیاس: تحلیل کاربرد قیاس در اصول و فروع
دین، دکتر علیرضا رحیمیان.
وضعیت ویراست: ویراست ۲.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.
شابک: ۹-۲۸۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
موضوع: قیاس (فقه).
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ر ۹ ق ۵۲ / BP ۱۶۹
رده‌بندی دیویی: ۳۹۷ / ۳۲۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۶۴۶۳۱



شابک ۹-۲۸۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ۹-۵۳۹-۲۸۷-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-287-0

مسأله قیاس

مؤلف: دکتر علیرضا رحیمیان

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول (ویرایش جدید) / ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: زنبق / صحافی: بهمن

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه ایسردار، ساختمان یزیشکان، واحد ۹، تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴، تلفن: ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۵) (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ • اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۳۲۱۷۰۰۱ • مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۳۳۳۱۹۱۶ • اصفهان (مهر قائم) ۰۲۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ • زفول (میراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۴۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۱
مقدمه‌ای بر چاپ دوم کتاب «مسئله قیاس»	۱۵
مقدمه‌ی خلف صالح مرحوم میرزای اصفهانی رحمته‌الله جناب حاج اسماعیل غروی	۱۹
فصل اوّل: معنای لغوی و اصطلاحی قیاس	۲۳
۱-۱) قیاس در منطق و فلسفه	۲۳
۱-۲) قیاس در اصطلاح بعضی از فقها و متکلمین (تمثیل)	۲۷
۱-۳) مقایسه‌ی قیاس منطقی با تمثیل در اعتبار و انتاج	۲۹
۱-۴) تبدیل تمثیل به قیاس برهانی	۳۱
۱-۵) اعتبار قیاس در احکام شرعی منصوص العله	۳۲
۱-۶) حدّ مشترک در انواع قیاسات	۳۶
۱-۷) معنای لغوی قیاس	۳۷
۱-۸) روح و حقیقت مشترک در انواع قیاس	۳۸

- فصل دوم: ایرادات عقلی میرزای اصفهانی به قیاس ۴۷
- ۲-۱ لزوم دقت در مآذهی قیاس ۴۷
- ۲-۲ تقابل عقل و وجدانی با قیاس لغوی ۵۰
- ۲-۳ مأمون نبودن قیاس از خطا ۵۳
- ۲-۴ مغالطه‌ی برهان نامیدن قیاس ۵۵
- ۲-۱-۲ «برهان» در علوم الهی و بشری ۵۵
- ۲-۴-۲ بی‌نیازی «معرفت به علم و عقل» از «اعمال نظر و تألیف قیاس» ۵۸
- ۲-۴-۳ جمع بین ۵۹
- ۲-۵ عدم عاشقیت قیاس از حقایق ۶۲
- ۲-۶ کشف ذاتی عقل از مستقلات عقلیه ۶۷
- ۲-۷ عدم کارآیی قیاس در کشف جدید ۶۸
- ۲-۸ ناتوانی قیاس از کشف مستقلات عقلیه ۷۱
- ۲-۹ ایراد عقلی میرزای اصفهانی به اعمال قیاس در اصول و فروع دین ۷۳
- ۲-۱۰ عدم اعتبار قیاس در اثبات عقلی خداوند ۷۴
- ۲-۱۱ ابطال قیاس در خداشناسی از جهت نفی تصور خداوند ۷۹
- ۲-۱۲ بطلان قیاس در فروع دین ۸۰
- ۲-۱۲-۱ روی آوردن به قیاس (عقل اصطلاحی) برای کشف حکم شرعی ۸۰
- ۲-۱۲-۲ کاشفیت عقل از مستقلات نه از طریق قیاس ۸۸
- ۲-۱۲-۳ صحت یک قضیه‌ی شرطیه از قاعده‌ی ملازمه ۹۰
- ۲-۱۲-۴ بطلان قیاس در قلمرو غیر مستقلات عقلیه ۹۱
- ۲-۱۳ عدم حجیت قیاس در اصول و فروع دین ۹۵
- فصل سوم: شواهد نقلی بر نفی قیاس در دین ۹۷
- ۳-۱ احادیث توصیف دین با قیاس ۹۷
- ۳-۱-۱ تشکیل قیاس بر اساس تشبیه خدا به خلق ۹۹
- ۳-۱-۲ عدم شباهت میان علّیت (فلسفی) و خالقیت ۱۰۲

۳-۱-۳	تولید و تولد در علّیت فلسفی	۱۰۴
۳-۲	احادیث قیاس ابلیس	۱۰۷
۳-۳	احادیث عدم اصابه‌ی دین با قیاس	۱۰۸
۳-۴	احادیث تباهی دین به خاطر قیاس در آن	۱۱۲
۳-۴-۱	منشأ اشتباه در افتادن به ورطه‌ی قیاس	۱۱۴
فصل چهارم: پاسخ به نخستین ناقدان میرزای اصفهانی در بحث قیاس		
۴-۱	بررسی اشکالات آقای دکتر دینانی به سخنان میرزای اصفهانی	۱۱۷
۴-۱-۱	نقل اشکالات آقای دکتر دینانی	۱۱۷
۴-۱-۲	پذیرش قیاس برهانی توسط مرحوم میرزا	۱۲۰
۴-۱-۳	تقطیع عبارات میرزا توسط آقای دکتر دینانی	۱۲۲
۴-۱-۴	فرض معقول خالقیت خداوند بدون قبول اشتراک وجودی با خلق	۱۲۶
۴-۱-۵	اعم بودن ادله‌ی فلاسفه از مدعای ایشان در اثبات سنخیت بین علت و معلول	۱۲۸
۴-۱-۶	اثبات و ردّ قیاس بدون استفاده از قیاس	۱۳۰
۴-۱-۷	قیاس ابلیس، برهان منطقی نبوده است	۱۳۳
۴-۱-۸	تحکیم پایه‌های برهان به معنای نفی عقل و برهان نیست	۱۳۶
۴-۲	بررسی اشکالات آیه الله لاریجانی به آراء میرزای اصفهانی	۱۳۶
۴-۲-۱	نقل اشکالات آیه الله لاریجانی	۱۳۶
۴-۲-۲	عدم کارآیی قیاس در کشف از واقع	۱۳۷
۴-۲-۳	اعتبار قیاس برهانی و عدم اعتبار قیاس نادرست	۱۳۸
۴-۲-۴	بطلان نسبت اخباری‌گری به مرحوم میرزا	۱۳۹
۴-۳	بررسی ایرادات «آیین و اندیشه» به فرمایش‌های میرزای اصفهانی	۱۴۱
۴-۳-۱	نقل اشکالات مؤلف «آیین و اندیشه»	۱۴۱
۴-۳-۲	تفاوت قیاس منطقی و فقهی از جهت بشرط شیء و بشرط لا بودن یک معنای مشترک	۱۴۳
۴-۳-۳	روایات نافی قیاس در اصول و فروع دین	۱۴۴

- ۴-۳-۴) بر ارتباط بودن کلام شیخ انصاری به مدّعی «آیین و اندیشه» ۱۴۷
- ۵-۳-۴) عدم تطفّل «آیین و اندیشه» به مقصود مرحوم میرزا ۱۴۹
- ۶-۳-۴) نقش علّیت فلسفی در قیاس واجب به ممکن ۱۴۹
- فصل پنجم پاسخ به ناقدان اخیر مرحوم میرزا در بحث قیاس ۱۵۵
- ۱-۵) بررسی ایرادهای آیه الله جوادی آملی به آراء میرزای اصفهانی ۱۵۵
- ۱-۱-۵) نقل اشکالات آیه الله جوادی آملی ۱۵۵
- ۲-۱-۵) عدم مخالفت مرحوم میرزا با عقل و روش برهانی ۱۵۸
- ۳-۱-۵) پاسخ به سه اشکال آیه الله جوادی آملی ۱۶۱
- ۴-۱-۵) کاشفیت عقل از طریق قیاس نیست ۱۶۲
- ۵-۱-۵) عدم انکار ضرورت میان مقدمات و نتیجه‌ی استدلال توسط مرحوم میرزا ۱۶۲
- ۲-۵) بررسی اشکالات «بنیان مرصوص» به سخنان مرحوم میرزا ۱۶۴
- ۱-۲-۵) نقل اشکالات مؤلف «بنیان مرصوص» ۱۶۴
- ۲-۲-۵) اشکالات مرحوم میرزا به اقامه‌ی برهان‌انی و لقی برای اثبات خدا ۱۶۸
- ۳-۲-۵) ارائه‌ی برهان شبه‌ان برای اثبات ضایع از طرف مرحوم میرزا ۱۷۰
- ۴-۲-۵) معنای لغوی قیاس در احادیث و عبارات میرزای اصفهانی ۱۷۲
- ۵-۲-۵) پاسخ به سه اشکال دیگر بنیان مرصوص ۱۷۳
- فهرست منابع ۱۷۵

پیش‌گفتار

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ
السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ^۱

۱- کتاب حاضر - مسأله‌ی قیاس - یکی از محصولات علمی تلاش جمعی از دوستان
فاضلی است که طی جلساتی نسبتاً طولانی مدّت، به بحث و نقد و بررسی پاره‌ای از
مسائل مورد علاقه‌ی خود مشغول بوده‌اند.

از آنجا که قبل از این هم محصول دیگری از تلاش‌های این عزیزان، تحت عنوان
«مسأله‌ی علم»^۲ به علاقمندان تقدیم شده و مورد استقبال آنان قرار گرفته بود، کتاب
«مسأله‌ی قیاس» هم به عنوان پاسخی در برابر خواست‌های مکرر ایشان، در اختیار
علاقمندان قرار می‌گیرد. بدان امید که مفید فایده و مورد رضای حقّ متعال باشد.

۲- «مسأله‌ی قیاس» در طول تاریخ فکری انسان‌ها، از جهات مختلفی مورد مُدّاققه

۱. مائده / ۱۵ و ۱۶.

۲. این کتاب درباره‌ی «تحلیل علم در فلسفه‌ی صدرایی و مکتب معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)» نوشته شده و در سال

۱۳۸۵ توسط نشر منیر در ۳۱۲ صفحه به صورت وزیری به چاپ رسیده است.

قرار گرفته و هر اندیشمندی که در این عرصه وارد شده، متناسب با درک و فهم خویش برگزیده‌ی این فصل علمی، برگزیده است.

در این میان، نگاه موشکافانه‌ی مرحوم «میرزای اصفهانی»^۱ از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که پاره‌ای از صاحب نظران را به پاسخگویی و برخی از مبتدیان جوای نام را به نوعی ناسزاگویی‌های علمی و رفتارهای غیرمتعارف، واداشته است.

تأمل‌های عمیق و ریشه‌دار مرحوم میرزا، با عنایت به سایر دست‌آوردهای معرفت‌شناسانه، توحیدی، و ... ایشان، آرایش پرداختن به مسأله‌ی قیاس را به گونه‌ای درهم ریخته که در بادی امر و قبل از تأمل کافی و همه‌جانبه، مخاطب را با دشواری‌هایی روبرو می‌سازد.

بررسی لغوی، تأملات فقهی موشکافی‌های منطقی، و کاوش پیرامون معرفت‌زا نبودن قیاس توسط ایشان، مباحث رایج در این بحث - و نیز بسیاری از بحث‌های دقیق دیگر - را به گونه‌ای متفاوت رقم زده و تغییر تند و هشدار دهنده ایشان، پاره‌ای از علاقمندان به روال‌های ثابت و متعارف این گونه مباحث را برآشفته است.

۳- به دنبال عکس‌العمل‌های متفاوتی که در تالیل چاپ و نشر آراء ایشان صورت پذیرفت، احساس شد که اگر شرح و تبیینی پیرامون این مباحث ارائه شود، برای علاقمندان و دانش‌دوستان، مفید واقع خواهد شد و احتمالاً مبتدیان را به «کنترل سرعت» در ارشاد دیگران و خواهد داشت.

از این رو، مجموعه‌ی حاضر تنظیم گردید، تا هم چنان باب گفتگوهای علمی در این زمینه باز بماند و نیز دعوتی باشد از سایر فرهیختگانی که ورود و اظهار نظرشان در این گونه مسائل، بر تعالی و ارتقاء سطح علمی چنین مباحثی خواهد افزود.

۴- لازم به توضیح است که وقتی چهار فصل کتاب آماده‌ی حروف چینی و چاپ

۱. مرحوم محمد مهدی اصفهانی معروف به میرزای اصفهانی متوفی در سال ۱۳۶۵ هجری قمری. برای آشنایی بیشتر با مثنی علمی این بزرگوار رجوع کنید به پیشگفتار کتاب «مسأله‌ی علم».

بود، دو کتاب جدید به دست ما رسید که شامل انتقاداتی به آراء مرحوم میرزای اصفهانی در باب قیاس بودند. هر چند بیشتر انتقادات در این دو کتاب، نسبت به سخنان پیشینیان تکراری هستند اما برای تکمیل بحث، مناسب دیده شد که در فصل جداگانه‌ای آراء این دو اندیشمند نیز مطرح و بررسی گردد. بنابراین فصل پنجم کتاب به چهار فصل گذشته اضافه شد. اگر در برخی موارد از آرائه‌ی پاسخ‌های تفصیلی به اشکالات این دو کتاب اخیر خودداری شده، به این دلیل است که در فصول پیشین درباره‌ی آنها شرح و توضیح مستوفی آمده است. از خوانندگان متعمق کتاب انتظار می‌رود که در موارد لزوم، مراجعه‌ای به مباحث گذشته داشته باشند تا حق مطلب به خوبی ادا گردد.

۵- پیشاپیش از همه‌ی اساتید و سرورانی که به نوعی آرائشان، در این نوشته مورد نقد قرار گرفته، پوزش می‌طلبم و می‌دانم که طلای ناب را از قرار گرفتن در کوره، باکی نیست.

۶- ضمن استقبال فراوان از نقدهای عالمانه‌ی که بر این نوشته خواهد شد، به اطلاع علاقمندان به این گونه مباحث می‌رسانم که «مسائل» دیگری نیز از محصولات همان گفتگوهای مذکور در بند ۱، به ثمر رسیده که اگر توفیق رفیق شد، به محضر دوستانش تقدیم خواهد شد، ان شاء الله.

۷- همان گونه که اشاره شد، مجموعه‌ی حاضر، ره‌آورد تلاش جمعی از عزیزانی است که در اینجا از یکایک آنان سپاسگزاری و تشکر می‌کنم و از خداوند متعال آرزوی توفیق روزافزون و قبولی خدمات آنان را خواستارم.

بمنه و کرمه

علیرضا رحیمیان ۱۳۸۷ / ۴ / ۳

مصادف با شب ولادت حضرت صدیقه‌ی کبریٰ علیها السلام

www.ketab.ir

مقدمه‌ای بر چاپ دوم کتاب «مسأله قیاس»

آن چه پرمغز است چون مُشک است پاک
و آن چه پوسیدست نبود غیر خاک
آن چه با معناست خود پیدا شود
و آن چه بی معناست خود رسوا شود

۱- تجربه‌ی شیرین و امیدوارکننده‌ای که از چاپ کتابهای «مسأله علم» و «مسأله قیاس» برای حقیر، حاصل شد، غیر قابل پیش‌بینی و تا اندازه‌ای ناباورانه بود. فضای حاکم بر کانون‌های «علمی-فلسفی» و «علمی-عرفانی»^۱ را به گونه‌ای می‌دیدم که هر «ناقدی» در همان اول امر به تیرکمانداران و محافظان دست‌آوردهای چندین قرنه‌ی این حوزه‌ها، به مسلخ «نافهمی»، «عدم دقت» و «نداشتن جودت ذهن» برده شود و در نهایت به اتهام «بیماری روانی» و یا «غرض‌ورزی» از پای درآید و سرنوشتش، مایه‌ی عبرتی شود برای کسانی که قصد تکرار چنین جسارت‌هایی را دارند.

اما آن چه در عمل اتفاق افتاد، نه تنها از این سنخ نبود؛ بلکه درست در نقطه‌ی

۱. نسبت به انتخاب این عنوان اگر توفیقی دست دهد، بعداً بیشتر توضیح خواهم داد.

مقابل، «آزاداندیشان مُنصفی» از دل همان مجموعه ظاهر شدند که مطالب این دو کتاب را «منصفانه» و با «دقت لازم» مطالعه و حتی بحث و بررسی کردند و در آنها نکات قابل تأمل و تأثیرگذار قابل توجهی را یافتند که نویسنده را به ادامه‌ی راه به جد تشویق و بلکه تکلیف نمودند.

البته تا کید بر منصفانه بودن مَشی آنان، به معنی پذیرش بی‌چون و چرای آنان نسبت به مطالب این نوشته‌ها نبوده و نیست، بلکه منظور همان «منصفانه» و «علمی بودن مواجهه» با مطالب و بحث و بررسی آنهاست.

۲- اما جدی که از قبل زده می‌شد، چندان هم نادرست از آب در نیامد. ناقدین محترم دیگری هم که بعضاً از تبار همان کمانداران حرفه‌ای بوده و هستند، دست به کار شدند و حمله‌های کیشه‌ای و نشان‌داری را که قبلاً بدان اشاره کردم آغاز نمودند. این عزیزان ناقد، چنین وانمود کردند که نویسنده خطاهای فاحشی را مرتکب شده و دقت لازم را نه داشته و نه به کار برده و مطالبی را با هم مخلوط کرده و اصلاً نفهمیده که قیاس فقهی همان قیاس منطقی نیست و این دو با هم فرق دارند!! یا متوجه نبوده که میرزای اصفهانی اساساً با هرگونه استدلال کردن و استفاده از صورت قیاس مخالفت دارد.^۱ و از این دست فرمایش‌ها که گاهی نتایجی درست مخالف آن‌چه که نویسنده بر

۱. اتفاقاً یکی از شواهدی که نشان می‌دهد مرحوم میرزا با مطلق قیاس مخالفی ندارد همین است که ایشان برای اثبات ادعای خود دست به استدلال زده‌اند. مخالفان مرحوم میرزا از این مطلب بهره جسته‌اند تا نشان دهند که «مرحوم میرزا استدلال منطقی کرده که نباید استدلال منطقی کرد.» یعنی خود بر سکویی ایستاده که بیش‌تر خود آن را تخریب کرده است. این در صورتی است که پیش‌فرض ذهنی‌مان این باشد که مرحوم میرزا نمی‌فهمیده چه می‌کند؛ از سویی چارپایه را از زیر پای استدلال کشیده و از دیگر سو روی آن ایستاده و براساس آن عمل کرده است. پس او با انکار بدیهی‌ترین اشکال منطقی «قدرت نخواهد داشت که هیچ‌گونه ادعای معقولی یا نامعقولی را مستدل سازد یا به صورت استدلال درآورد».

اما تحلیل دیگر این است که بپذیریم میرزا با صرف استدلال کردن مشکلی ندارد و صرفاً کاربرد نادرست آن در اصول و فروع دین را هدف قرار داده است. لذا می‌تواند از استدلال در این طریق بهره‌گیری کند. این تحلیل آن‌جا تقویت می‌شود که به یاد بیاوریم مرحوم میرزا همواره بر اعتبار «بدهات» و «وجدان» صحه گذاشته و بر همین اساس عقل را «نور ظاهر بذاته» می‌داند. (البواب الهدی / ۲۰ و ۳۱) عقل را «حجت باطنی» و «فاروق حق و باطل» می‌شناسد و معتقد

آن تأکید داشته را به عنوان نظر نویسنده، مطرح کرده است. از این «شگفت‌تر»، «در دناک‌تر» و «گزنده‌تر» ردیف کردن ناسزاهایی بود که بعضاً در گوشه و کنار نوشته‌ها و حمله‌های برخی اندیشمندان نسبت به صاحب‌اُولیه‌ی این معارف، یعنی مرحوم «میرزا مهدی اصفهانی»^۱ اعلی‌الله مقامه الشریف، وجود داشت. به طوری که تصمیم گرفتم عین همان «جسارت‌ها» را ضمیمه چاپ دوم این کتاب کنم تا وزن نویسنده‌ی و نافذ محترم، در آینه نوشتار او آشکار گردد، اما بعداً به نظرم رسید که تکرار آن ناسزاهای روانکاوی‌های مذکور، وجه شرعی و عقلی و علمی و انسانی نخواهد داشت و لذا فعلاً از درج مجدد آنها صرف نظر کردم.

۳- در میان نقدهای عالمانه و منصفانه‌ای که به دست رسید، متوجه این نکته مهم شدم که در پاره‌ای از موارد توضیحات کتاب بسیار فشرده و مختصر بوده و برای دریافت جان کلام کافی نبوده است. لذا در این چاپ سعی بر این شد که در موارد لازم،

۱۲ است عاقل در صورت مخالفت با آن، «استحقاق عقاب» پیدا می‌کند. (مصباح الهدی / ۴ و ۵) او عقل را به لحاظ حقیقت خارجی اش مذهب قرار داده (انوار الهدایه / ۸) و در مستحالات عقلیه قویاً از ذاتی بودن - و نه اعتباری بودن - حسن و قبح دفاع می‌کند. (معارف القرآن / ۲۳ - تقریرات درس اصول / ۱ و ۲) مرحوم میرزا همواره از موازینی که عقل بدهات آن را تشخیص می‌دهد دفاع می‌کند و حتی بر تقدّم عقل نسبت به شرع تصریح دارد (تقریرات درس اصول / ۱ و ۲) با این تفصیل اگر چیزی بدهات عقلانی داشته باشد مرحوم میرزا هرگز با آن مخالفت نخواهد داشت و شرایط صوری قیاس و بدهات انتاج آن در صورت برقراری شرایط قیاس، از جمله‌ی این امور بدیهی است لذا همه‌ی نزاع بر سر ماده‌ی قیاس است نه صورت آن. (انوار الهدایه / ۱۲) به اقرار یکی از ناقدان آن مرحوم:

«مرحوم میرزا نه مخالف عقل که مخالف جریان‌های رایج فلسفی است پس به اشتباه وی را اعتباری دانسته‌اند. او پای‌بند به عقل و ادراکات عقلی است و تنها راه درک وحی را عقل می‌داند. او برخلاف دیگران به تفصیل از عقل سخن گفته است و از عقل بوالفصول در جهت کاوش در روایات و حذف بعضی و اتخاذ بعضی دیگر بهره گرفته است.» جالب است که با این وجود باز برخی ادعا دارند که میرزا «راه خرد را بن بست و عقل را عاقل و بی اعتبار می‌پنداشته» و «راه خرد را از راه دین جدا معرفی می‌کرده» و «عقل نظری را زیر سؤال برده است» بلکه اگر عقل را - نه به لحاظ وجدانی و آشکار و بدیهی آن بلکه - طبق تعریف - مساوی «فلسفه‌ورزی» بدانیم میرزا مخالف عقل است و با فلسفه‌ورزی‌های رایج به شدت مخالف است. چون برخی مبادی و محصولات آن را کاملاً برخلاف دریافت بدیهی و آشکار عقل - این حجت معصوم الهی - می‌بیند از همین رو و بدین لحاظ و - طبق تعریف - مخالف عقل است نه به لحاظ واقع! ۱. در این جاشدنی بود که القاب مفصل و پرطمطراق چندین سطری هم برای آن مرحوم ذکر کرد که بنا به عللی، به همین سادگی بسنده نمودم.

توضیحات اضافه‌تر و شاهد مثال‌های بیشتری به حضور خوانندگان تقدیم شود تا آنها را در دریافت مطلب مورد نظر بیشتر یاری نماید.

۴- توصیه‌ی اکید حقیر، به علاقمندان این مباحث، آن است که حتماً نقدهای مکتوب و چاپ شده نسبت به این کتاب را به دقت مطالعه کنند و قضاوت و نتیجه‌ی نهایی را خودشان به دست آورند. زیرا گمان بنده این است که مطالعه‌ی برخی^۱ از آنها، خواننده را از پاسخ بی‌نیاز خواهد کرد.

۵- در انتها از هر دو گروه محترم ناصحان و ناقدان، تشکر می‌کنم و تقاضا دارم که به تأملات و بحث و گفتگوهای خود در این زمینه ادامه دهند. چون چنین جریانی در مجموع برای ارتقای سطح علمی مورد نظر، بسیار مفید است؛ اگر چه نمی‌توان تکرار ناسزاگویی‌ها و بیماربانی‌ها را پسندیده تلقی کرد.

از خدای متعال خواستارم که همه‌ی ما را در پیمودن راه حق و نلغزیدن به بی‌راهه‌ها یاری فرماید و با طالع نمودن شمس حقیقت و حجت پرده‌نشین، همه‌ی ما را در دستیابی به حقیقت مدد نماید.

شاید در آن روز، در اوج غفلت، به گوش جسم و جان - هر دو - این‌گونه بشنویم که:

وانگهی از خود قیاساتی کنی هر خیال محض را ذاتی کنی

والسلام

علیرضا رحیمیان

۹۰ / ۴ / ۲۲

در آستانه‌ی میلاد عَلم منصوب و عَلم مصبوب

۱. این گمان در مورد همه‌ی ناقدان و یا همه‌ی حملات آنها نیست.

مقدمه و خلف صالح مرحوم میرزای اصفهانی جناب کتاب حاج آقا اسماعیل غروی اصفهانی دام ظلّه

قال رسول الله ﷺ إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

محدثان، متکلمان و فقهای شیعه به پیروی از پیشوایان معصوم خود (علیهم السلام) در زمان غیبت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سعی بلیغی برای حفظ میراث گرانقدر پیامبر گرامی اسلام ﷺ مبذول داشته‌اند تا دین ایشان از گزند تحریف و بدعت، مصون و محفوظ بماند. یکی از عوامل پیدایش انحراف و التقاط در میان برخی از اندیشمندان شیعه، تأثیر پذیری شدید و عمیق آنان از تعالیم بشری و خلط و مزج معارف الهیه با آن بوده است.

در میان علوم اسلامی کمتر رشته‌ای هم چون فقه (علم مربوط به احکام حواری) را می‌توان یافت که از دستبرد این‌گونه التقاط به طور کامل محفوظ مانده باشد. خوشبختانه جریان غالب و حاکم در علم فقه شیعه (صرف نظر از جریانات انحرافی مقطعی) تا کنون آسیب قابل توجهی از اختلاط و امتزاج با بافته‌های بشری نخورده است.

اما علم کلام و اعتقادات شیعه به خصوص از قرن هفتم به بعد از تأثیر افکار بشری و عقاید نادرست مضمون نمانده و برخی از نحله‌های آن به شدت دستخوش التقاط و انحراف شده‌اند. مؤثرترین انحراف، رنگ‌پذیری از افکار فلسفی و عرفانی بشری بوده که تا عصر حاضر، سایه‌ی سنگین خود را بر اذهان برخی اندیشمندان انداخته است.

در این میان بوده‌اند عالمانی که علوم و معارف الهیه را فقط از سرچشمه آن - قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) - برگرفته‌اند. اینان در معارف کلام و اعتقادات همان سیره و مشی فقها در فقه را دنبال نموده‌اند و به همین دلیل از آسیب‌های علوم بشری در امان مانده‌اند. محدثان و متکلمان و فقیهانی هم چون مرحوم کلینی، مرحوم شیخ صدوق و علامه محمد باقر مجلسی از طلایه‌داران این جریان سالم کلامی بوده‌اند.

اما هرچه نحله‌های فکری بشری (نظیر فلسفه‌ی صدرایی) رشد و بالندگی بیشتری پیدا کرده‌اند، ضرورت وجود عالمانی که بدعت‌ها و تحریف‌های بشری را شناسایی و معرفی کنند، پیش از پیش احساس می‌شده است. اینها مصداق همان عالمانی هستند که به فرموده‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وقتی بدعت‌ها در امت ایشان آشکار و علنی می‌گردد، باید «علم» خود را - که از سرچشمه‌ی زلال معارف قرآن و عترت گرفته‌اند - ظاهر نمایند و اگر چنین نکنند، مشمول لعنت الهی قرار گرفته و از رحمت او دور می‌مانند. والد معظم مرحوم آیه‌الله آقا میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی (رحمه‌الله) از همین قبیل عالمان بوده‌اند. ایشان با احاطه و اشراف کامل نسبت به فلسفه و عرفان بشری رایج، در زمان خویش به مبارزه و مجاهده‌ای قابل تحسین با بدعت‌ها و انحراف‌های فکری و کلامی پرداخته و در حد طاقت و وسع خود به روشنگری در این زمینه پرداخته‌اند. ایشان را می‌توان احیاگر معارف ناب شیعه در عصر خود نامید، همان معارفی که محدثان بزرگ مذهب از قبیل مرحوم کلینی و صدوق در تدوین و تبلیغ آن مجاهدت‌ها نمودند و آثار گرانقدری از خود به جای گذاشتند.

مرحوم میرزا در طول سال‌ها مطالب صحیح اعتقادی را تحت عنوان «دروس معارف القرآن» با استناد به قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) تدوین فرمودند که

بسیاری از تقریرات آن درس‌ها به قلم شاگردان ایشان موجود است. علاوه بر این رساله‌هایی را با قلم خویش در همین ابواب تألیف فرمودند که خوشبختانه بیشتر آنها در حال حاضر قابل دسترسی است.

در آثار و قلمرو تقریرات دروس مرحوم میرزا مطالبی وجود دارد که اگر کسی شاگردی مکتب ایشان را نکرده باشد و با برخی از اصطلاحات خاص آن مرحوم آشنا نباشد، در استنباط از آن نوشته‌ها با مشکل و در فهم دقیق مطالب با خطا مواجه می‌شود که این تجربه‌گامی برای افرادی تجربه و سطحی‌نگر در درس آفرین بوده است. برخی از اصطلاحات رایج منطقی و فلسفی در کلمات مرحوم میرزا معانی خاصی دارد که عدم آشنایی با آنها قطعاً باعث سوء برداشت از عبارات ایشان می‌گردد.

نمونه‌ی این اصطلاحات «برهان»، «استدلال»، «عقل» و «علم» است که معانی آنها در لسان مرحوم میرزا با مفاهیم فلسفی آنها کاملاً متفاوت است. اگر کسی بخواهد عبارات آن مرحوم را بر معانی رایج فلسفی آنها حمل نماید، نتیجه‌ای مغایر با مقصود ایشان می‌گیرد که نه تنها نادرست بلکه نامعقول و بی‌ربط است. آن‌گاه اگر همین برداشت غلط را مبنای قضاوت خود درباره سخنان آن مرحوم قرار دهد، اظهار نظری بسیار غیر منصفانه و دور از حقیقت خواهد کرد.

این چنین است که با کمال تأسف در سالهای اخیر مکرر اتفاق افتاده که افرادی ناوارد و ناآشنا با مطالب و اصطلاحات مرحوم میرزا به خود اجازه داده‌اند انواع و اقسام اتهامات ناشایست را به آن بزرگوار نسبت دهند. تهمت‌هایی که ذکر آنها در این مقال دور از ادب نویسندگی و فرهنگ علم و عالمان است، اما بازار آنها به یمن وجود نشریات و مکتوبات و برخی ژورنالیست‌ها بسیار داغ و رایج شده است.

نشاید که بزرگان شیعه و افکار بلند و ارزشمند ایشان میدان تاخت و تاز افراد ناپخته و بی‌اطلاعی، که بعضاً آداب نقد و تحلیل را هم نمی‌دانند، قرار گیرد و کسانی که بستر مناسب برای این‌گونه ناجوان‌مردی‌ها فراهم می‌آورند، در پیشگاه خدای متعال مسؤولند.

بگذریم، حیف است که جامعه‌ی علمی شیعه از دقت نظرهای حکیمانه و دقیق این بزرگ‌مرد و مجاهد نستوه‌ی وادی علم و معرفت محروم گردد. دفاع از حق و حقیقت معارف الهیه اقتضا می‌کند که هرچه بیشتر اندیشه‌های این فقیه اهل بیت علیه السلام مورد کنکاش و موشکافی قرار گیرد و لطائف و ظرائف آن با دقت بازنگری شود.

کتاب حاضر دومین اثر یکی از تربیت‌شدگان مکتب مرحوم میرزای اصفهانی، دانشمند فرهیخته، جناب آقای دکتر علیرضا رحیمیان است که با دقت نظرهای خاص خود، «مسأله‌ی قیاس» را از دیدگاه مؤسس مکتب کاویده و نکات مغز متعذدی را برای صاحب‌نظران و علاقمندان روشن نموده است. چاپ دوم این کتاب، گزارش روشن‌تر و کامل‌تری از این مسأله ارائه نموده که شایسته توجه عالمانه و مدققانه می‌باشد. امید که تلاش ایشان مورد قبول حضرت حق متعال واقع شود و راهگشای نسل علاقمند و تشنه‌ی معارف ناب اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد.

اسماعیل مدرّس غروی

شعبان المعظم ۱۴۳۲

نیرماه ۱۳۹۰